

مصاحبه نشریه علیه اعدام با شهلا نوری مسئول کمیته علیه اعدام در یوته بوری سوئد

به نظر شما مجازات چگونه تعریف میشود؟

مجازات مقوله است در حقوق جزا که روشها و مجازاتی را در پاسخ به جرایم تعریف میکند. هر جامعه ای، در قبال پدیده مجرمانه، واکنشهایی از خود نشان میدهد. بعضی از این قوانین کیفری به عنوان مجازاتها در نظر گرفته میشود و همینجا است که نقش سرکوبگراییانه حقوق جزا غیر قابل انکار میشود. بعضی معتقد هستند که جامعه بدون مجازات هم میشود ادامه داشته باشد.

آیا باید یک قاتل حرفه ای را که کشتن کسب و کارش بوده اعدام کرد؟ اگر پاسخ مثبت و یا منفی است دلایلتان چیست؟

من در اصل با اعدام به عنوان مجازات مخالف هستم. در حقیقت در مقابل شنیدن خبر صدور حکم اعدام این سنوال در ذهن من ایجاد نمیشود، که جرم شخص مجرم چه بوده است؟ بنظر من اعدام جنایت سازمانیافته دولتی است. با کشتن یا نکشتن قاتل به جامعه چه پیامی داده می شود؟

اگر فرض بر این باشد که با اعدام یک مجرم از ارتکاب مجدد جرم پیشگیری میکنیم باید نقش سرکوبگراییانه حقوق جزا را هم بررسی کنیم. در بررسی حقوق جزا مکاتب مختلفی وجود دارد که هیچ کدام نقش سرکوب در مجازات را انکار نمیکنند. بهتر است بگویم که قانون جزا، بیانگر ارزشهای اساسی در جامعه است. بنابراین حقوق جزا علاوه بر نقش سرکوبگرانه، نقش بیان و توصیف ارزشهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، مذهبی و.....حاکم بر جامعه میباشد. در جمهوری اسلامی، استقلال بین دستگاه قضایی و مذهب وجود ندارد و آنجا که در قضاوت مبتنی بر مذهب، جرم و گناه یکی میشود طبیعتا دستاوردهای عصر روشنگری کنار گذاشته میشود و آنچه که از نظر موازین حقوق بشر جرم شناخته شده است، همراه با آئین خاصی و در آگاهی کامل، با خونسردی و بدون ندامت و پشیمانی توسط مجریان قوانین در جمهوری اسلامی اجرا میشود مثل سنگسار زنی که رابطه خارج از ازدواج داشته است. در جوامع اسلامزده، جرم مبتنی بر گناه یعنی زیر پا گذاردن قوانین خدایی و دینی و بخاطر آن انسانها را به قتلگاه میبرند نظیر الحاد، کفر و محاربه با خدا. اگر اینگونه نبود میباید تمام کسانی را که اقدام به قتل دیگری کرده است اعدام کرد (از جمله کسانی که خود در مسند قدرت هستند). پس جمهوری اسلامی از این ابزار نه عنوان پیشگیری از جرایم بلکه به دلیل ایجاد جو رعب و وحشت استفاده میکند تا چند صباحی به عمر جنایتبار خود اضافه کند. رژیم اسلامی ایران با اعدام کسانی که ممنوعیتهايش را زیر پا میگذارند انتقام میگیرد تا از تحقیر اقتدارش جلوگیری کند. مثلا در کیفر " گناه" از قبیل زنا و لواط مسئله انقامگیری شخصی در میان نیست چون عملا شاکی خصوصی در میان نیست و مجازات فقط به دلیل اثبات قدرت خدا و ایجاد ترس از جهنم و خشم خدا.

چه عامل و یا عواملی موجب میشود که کشتن انسان برای بعضی بصورت کسب و کار درآید و امری عادی شود؟

من میخواهم از شما سنوال کنم که عواملی باعث میشود تا افرادی در آگاهی کامل طناب دار را به گردن دیگری ببندازند و او را اعدام کنند؟ آیا اعدام کننده قربانی خود را میشناسد یا با او دشمنی

شخصی دارد؟ اگر جمهوری اسلامی در این 27 سال بیش از 100 هزار نفر را اعدام نکرده بود، آیا کسی به خودش اجازه میدادند دیگری را به راحتی به قتل برساند. مردم تحت تاثیر قوانین حاکم بر جامعه رشد پیدا میکنند. هیچ انسانی جنایتکار به دنیا نمی آید. من معتقدم یک کمپلکس درونی عمیق انسان را به انجام جرم وادار میکند. حال میخواهد جرم فردی انجام گیرد خواه دولتی و برنامه ریزی شده.

نکته مهم در اینجا است که مجازات شونده مثل آینه ای است که مجازات کننده گناهان خود را در او میبیند و با دیدن منظره مجازات از درد خود میکاهد. مجازات دیگری یعنی به مجازات رساندن نیمه گناهکار شخص مجازات کننده. انزجار و نفرتی که مجازات کننده از گناهان خود دارد، در ضمیر ناخودآگاه او چنان کمپلکس عمیقی ایجاد میکند که برای رهایی از آن دست به نابودی دیگری میزند. حتما شما در مورد اعدام زندانیان سیاسی مطالبی شنیده اید؟ پاسداران در زمان اعدام زندانیان سیاسی خود وضو میگرفتند و شعارهای اسلامی میدادند و برای ثواب بیشتر همه در کل مراسم شریک میشدند. بنظر شما به چه دلیل کیفر خود از جرم پیشی میگیرد؟ مثال دیگری میزنیم: چرا شخصی را که به دلیل قتل به دار آویخته میشود، در ملاعام دار میزنند؟ چرا قبل از به دار آویختن او را شلاق میزنند؟ آیا به قتل رساندن قاتل کافی نیست تا دیگران درس عبرت بگیرند؟ آیا به نمایش گذاردن چنین جنایاتی از طرف مجریان قانون یاد آور ثواب شدن مردم نیست؟ آیا عامل احساس گناه و عذاب وجدان ناشی از آن، همان نکته ای نیست که ما به دنبالش میگردیم؟ به قول فروید: مذهب و آئین و آدابش وسیله ای میشود در خدمت دفاع انسان در مقابل ترس.

عده ای بر این عقیده اند که مجازات اعدام موجب کاهش قتل و جنایت در جامعه می شود. شما در این زمینه چه فکر میکنید؟ بنظر من برعکس این دیدگاه صادق است. در کشورهایی که گناه را وارد حوزه سیاسی و اجتماعی نمیکند، جرم و جنایت کمتر رخ میدهد. آمار نشان داده که در کشورهایی که اعدام لغو شده، جنایت کمتری صورت میپذیرد.

چه انگیزه ای باعث شد به کمیته علیه اعدام بپیوندید. وقتی کودک بودم پدرم و مادرم ترانه مراببوس را میخواندند و تعریف میکردند که سراینده این ترانه این اشعار را برای دخترش در شب قبل از اعدام سروده است. من از همان کودکی با پدیده زندانی سیاسی، شکنجه و اعدام آشنا بودم. زمانی که این امکان ایجاد شد به پیشنهاد مینا احدی، فعال این عرصه شدم و تا امروز علیه اعدام و سنگسار تعدادی از محکومین در جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای اسلامزده فعالیت کرده ام.

11 حکم سنگسار در ایران و در سوماتالی چرا و چه باید کرد؟
سنگسار شدیدترین نوع اعدام است و در تمامی ادیان وجود داشته است. تحقیقات نشان داده که با کم رنگ شدن نقش مردم در اجرای حکم سنگسار شیوه اعدام از نوع سنگسار نیز دستخوش تغییراتی شده است. امروزه در چند کشور هنوز این حکم صادر و اجرا میگردد. در بعضی از این کشورها فقط زنان را سنگسار میکنند. علت سنگسار هم رابطه خارج از ازدواج و تجاوز میباشد. اصولاً زن در مذاهب و بویژه در اسلام عامل فساد، وسوسه و گناه قلمداد میشود. از این رو باید زن را که مایه شر . گناه است به وحشتناکترین صورت ممکن اعدام (سنگسار) کرد، حتی زمانی که دیگران او را مورد تجاوز قرار داده اند.

اما چه باید کرد؟ طبیعی است باید جلوی اینگونه جنایت سیستماتیک و وحشیانه اسلامی علیه مردم را گرفت. ما فعالان کمیته بین المللی علیه اعدام و سازمان آزادی زن از تمامی امکانات خود برای نجات جان اشرف کلهری، ملک قربانی و دیگر محکوم شدگان به سنگسار استفاده خواهیم کرد. ما از شما مردم متمدن جهان، از تمامی نهادهای مدافع حقوق بشر و از تمامی سازمانهای و احزاب مدافع

حقوق بشر می‌خواهیم که ما را یاری رسانید، تا اشرف کلهری و ملک قریانی را از سنگسار نجات دهیم. شما می‌توانید نامه‌های اعتراضی خود را به آدرس زیر ارسال کنید. رژیم اسلامی را یک بار دیگر باید وادار به عقب نشینی کنیم.

Shahla.n@bredband.net

Tel:0737262622

با تشکر از نشریه عیله اعدام

شهلا نوری

